



## درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۱۱ آبان ۱۳۹۹

موضوع جزئی: مسئله ۱۹ - حکم نظر زن به مرد - مستثنیات عدم جواز نظر - اقوال

مصادف با: ۱۵ ربیع الاول ۱۴۴۲

سال سوم

جلسه: ۲۳

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در مسأله نوزدهم که موضوع آن نظر زن به مرد است، عرض شد مثل مسأله هجدهم در دو مقام باید بحث کنیم. یکی در اصل مسأله نظر و دوم اینکه اگر قائل به عدم جواز شدید، مستثنیات آن کدام است. لذا ملاحظه فرمودید در مسأله هجدهم مقام اول این بود که آیا نظر مرد به زن به طور کلی جایز است یا نه؛ مقام دوم درباره استتนา وجه و کفین بود. مقام سوم که در مسأله نوزدهم متعرض آن شده‌اند، مربوط به نظر زن به مرد است. بحث در مقام سوم به پایان رسید؛ نتیجه آن شد که بنابر ادله قابل قبول، نظر زن به مرد جایز است و اینکه بسیاری معتقد شده‌اند نظر زن به مرد مطلقاً جایز نیست، این واقعاً دلیل قابل قبولی ندارد. درست است جمع زیادی قائل شده‌اند به اینکه زن مطلقاً نباید به مرد نگاه کند؛ مثل صاحب جواهر، شهید ثانی و حتی کسانی مانند مرحوم علامه مجلسی این را به مشهور نسبت داده‌اند که مطلقاً نظر به مرد جایز نیست از سوی زن، و حتی استتنا وجه و کفین را هم خیلی‌ها نپذیرفته‌اند. کم نیستند کسانی که چنین نظری دارند؛ از بزرگان و علمای معاصر هم گروهی این نظر را پذیرفته‌اند. اما ملاحظه فرمودید دلیل قابل قبولی بر عموم حرمت نظر به نحوی که هیچ موردی استتنا نشده باشد، نداریم. لذا این رأی و نظر اساساً از نظر ما مردود است.

### مستثنیات عدم جواز نظر

سراغ کسانی می‌آییم که از عموم حرمت نظر یک مواردی را استتنا کرده‌اند؛ یا به تعبیر دیگر اساساً قائل به عدم جواز نظر زن به مرد شده‌اند، منتهی از عدم جواز یک مواردی را استتنا کرده‌اند. یعنی در واقع از گروه اول که بگذریم، یعنی کسانی که به طور کلی می‌گویند جایز نیست زن به مرد نگاه کند و هیچ عضوی را - حتی دست و صورت - استتنا نکرده‌اند، مواجه با دو طیف هستیم؛ یک طیف که می‌گویند لایجوز النظر الی الرجل الا الوجه و الکفین، یعنی هیچ عضوی را اجازه نظر نمی‌دهند مگر دست و صورت. امام (ره) جزء این گروه است؛ چون در ذیل مسأله نوزدهم می‌فرماید: «و الأقرب استتناء الوجه و الکفین». اینکه می‌فرماید «و الأقرب» این اشاره به آن است که یک عده‌ای قائل‌اند به اینکه حتی وجه و کفین هم استتنا نشده است که مهم‌ترین آنها صاحب جواهر است. یک گروهی هم قائل‌اند یجوز النظر الی الرجل الا العورة. پس ما بین دو طیف و دو قول قرار داریم که بینهما بونٌ بعید؛ صرف نظر از آن گروه اول که کلاً هیچ استثنائی ندارند، اما یک دسته از این افراد استتنا از عموم حرمت نظر دارند و یک عده استتنا از جواز النظر دارند. در این بین اقوال دیگری هم هست؛ من یک اشاره اجمالی به این اقوال می‌کنم تا ببینیم واقعاً حق در مسأله چیست و ادله‌ای که ما برای جواز ذکر

کردیم، مدلول آن چیست و نهایت چیزی که از این ادله می‌توان استفاده کرد کدام است.

### قول اول: نگاه اول

یک عده‌ای این استثنا را ناظر به اعضا نمی‌دانند، معتقدند استثنا مربوط به النظرة الاولى است در مقابل نگاه دوم؛ یعنی می‌گویند زن به مرد نمی‌تواند نگاه کند الا فی النظرة الاولى؛ نگاه در مرتبه اول جایز است اما کراهت دارد، لکن برای دفعات بعد حرام است. اگر به خاطر داشته باشید نظیر این قول را در مورد نگاه مرد به زن هم داشتیم؛ تفصیل بین نگاه اول و نگاه‌های بعد. امام(ره) در متن تحریر به این تفصیل اشاره کرده‌اند، هرچند فتوای ایشان این نبود و فتوای ایشان مثل همین بود که «لا يجوز النظر الى المرأة الا الوجه و الكفين». کسانی که بین نگاه اول و نگاه‌های بعدی تفصیل دادند، در مورد نگاه زن به مرد هم همین مطلب را گفته‌اند. اگر یادتان باشد آنجا عبارت محقق صاحب شرایع را خواندم؛ اینجا هم ایشان معتقد است در این حکم زن مثل مرد است؛ زن هم یکره لها النظرة الاولى و یحرم نظرات بعدی و نگاه‌های بعد. از جمله کسانی که این نظر را پذیرفته، محقق ثانی<sup>۱</sup> است. اما طبیعتاً این نظر مورد اشکال قرار گرفته و صاحب جواهر که معتقد است به طور کلی نظر به وجه و کفین مرد هم جایز نیست، این نظر را از ضعیف‌ترین انظار و آراء به حساب آورده است.<sup>۲</sup>

### قول دوم: وجه و کفین

از کسانی که با امام(ره) - یعنی قول به استثنا وجه و کفین - موافق هستند، یعنی نظر امام(ره) هم مثل آنهاست، علامه حلی است که در تذکره<sup>۳</sup> این را فرموده است. شیخ انصاری در کتاب النکاح<sup>۴</sup> هم فرموده. بعضی‌ها به این مسأله تصریح کرده‌اند و برخی هم گفته‌اند حکم زن و مرد در این مسأله متحد است و این را اجماعی دانسته‌اند؛ مثل صاحب ریاض. یعنی می‌گویند همانطور که لایجوز للرجل أن ينظر الى المرأة الا وجهيها و کفیها، در مورد مرد هم همین‌طور است که لایجوز للمرأة أن تنظر الى الرجل الا وجهيه و کفیه. این را اجماعی دانسته‌اند و گفته‌اند هر حکمی که آنجا برای مرد ثابت است، اینجا برای زن ثابت است.<sup>۵</sup> این نظر تقریباً یک نظر معروفی است و شاید خیلی از معاصرین بر این عقیده‌اند.

### قول سوم: قسمت‌هایی که در هنگام کار پوشیده نیست

علامه حلی در تذکره<sup>۶</sup> می‌گوید بعضی از فقهای شیعه گفته‌اند که زن می‌تواند به آن قسمت‌ها و اعضایی از بدن مرد که در هنگام کار و فعالیت پوشیده نیست و باز است، نگاه کند. دیگر معین نکرده که آن قسمت‌هایی که هنگام کار و فعالیت باز است، کدام قسمت‌هاست؛ ولی بالاخره سر و صورت، گردن، دست، پا - یعنی حداقل قدمین و از مچ به پایین - اینها چیزهایی است که در هنگام کار مردان نوعاً نمی‌پوشانند؛ حالا هر شغل و کاری داشته باشند، نوعاً این قسمت‌ها را نمی‌پوشانند. شما حساب کنید چه کسی در بازار کسب‌وکار می‌کند، چه کسی که در مزرعه کار می‌کند، در بعضی از جاها

۱. جامع المقاصد، ج ۱۲، ص ۳۲.

۲. جواهر، ج ۲۹، ص ۸۰.

۳. تذکره (چاپ قدیم)، ص ۵۷۳.

۴. کتاب النکاح، ص ۶۱ و ۶۲.

۵. ریاض، ج ۱۰، ص ۵۳.

۶. تذکره، ص ۵۷۳.

آن قسمت‌هایی که نمی‌پوشانند حتی دامنه و دایره‌اش وسیع‌تر است. البته بعید نیست نظر بعدی که می‌خواهیم ذکر کنیم از مرحوم آقای خوبی و بعضی از بزرگان، متخذ از همین نظر باشد. آنچه که علامه نقل کرده این است که نظر به اعضای که در حین کار از مرد پوشش ندارد، سر و گردن، دست و پا، نوعاً پوشش ندارد. علامه نمی‌گوید کجا، اما می‌گوید بعضی از فقها قائل هستند که نگاه به این اعضا اشکالی ندارد.

#### **قول چهارم: دست و صورت و سر و گردن و پا**

قول بعدی که قول مرحوم آقای خوبی است، تفاوتی که با این نقل مرحوم علامه دارد، تعیین این موارد است. ایشان معتقد است که نظر زن به دست و صورت و سر و پا (قدمین) و گردن، جایز است. می‌گوید واقعاً ما اینجا نمی‌توانیم فتوا به حرمت دهیم، بلکه قائل به جواز می‌شود و حتی احتیاط هم نمی‌کند؛ اما نسبت به سایر اعضا مثل سینه، شکم، ساق پا، می‌فرماید آنجا هم فتوا به تحریم خالی از اشکال نیست، هرچند احتیاط می‌کند و فتوا به تحریم را خالی از اشکال نمی‌داند.<sup>۱</sup> قبلاً از مرحوم آقای خوبی به مناسبتی نقل کردیم که ایشان به استناد یک روایتی محدوده عورت را در مرد مابین السرة و الركبة قرار می‌دهد و نه عورت به معنای اصطلاحی. اینجا که عورت را استثنا کرده، بعید نیست که منظور ایشان همان مابین السرة و الركبة باشد؛ یعنی می‌گوید يجوز النظر الى الرجل الا الى مابين السرة و الركبة، این مقدار را استثنا کرده باشد. گرچه ظهور عبارت در عورت به معنای اصطلاحی است، اما به قرینه آنچه که قبلاً از ایشان نقل کردیم و عرض کردیم ایشان در مورد مرد می‌گوید عورت این مقدار است، لذا چه بسا آنچه استثنا شده همین مقدار باشد. به‌رحال یک قول این است که نظر به اعضای بدن مرد جایز است الا مابین زانو و ناف. اگر یک مقداری احتیاط را هم ضمیمه کنیم، شکم و ساق پا و سینه را هم احتیاط کنیم اما در مورد سر، گردن، دست و قدمین اشکالی ندارد. پس برخی موارد یقیناً جایز است، یعنی فتوا به جواز داده‌اند؛ بعضی از اعضا احتیاطاً لایجوز و برخی هم فتوی لایجوز.

سؤال:

استاد: بحث ستر را بعداً در مسائل آینده مطرح خواهیم کرد؛ پوشش مرد و زن را در آنجا متعرض خواهیم شد. این چیزی که شما می‌فرمایید، بعید نیست که همان مسأله ملازمه‌ای باشد که بعضی‌ها به آن معتقدند. فقط می‌خواهم عرض کنم آنچه که مرحوم آقای خوبی گفته‌اند بعید نیست بر آنچه که مرحوم علامه از قول برخی از فقهای شیعه نقل کرده است، حمل شود. بالاخره آنها هم معتقدند نظر به آن مقداری از بدن که در هنگام کار آشکار است و پوشیده نمی‌شود، جایز است. که این خودش مؤید همان ملازمه است، آن قسمت‌هایی که آشکار است و پوشیده نمی‌شود، سر و گردن، دست و قدمین است.

#### **قول پنجم: غیر از مابین زانو تا ناف**

یک قول هم همین است که ما به عنوان احتمال اینجا ذکر کردیم و البته مرحوم علامه هم این را به عنوان نقل قول بعضی از فقیهان ذکر کرده<sup>۲</sup> و آن اینکه نگاه زن به اعضای بدن مرد جایز است الا مابین السرة و الركبة. یعنی زن فقط نمی‌تواند به ناف تا زانوی مرد نگاه کند، والا نگاه به سایر اعضا مانعی ندارد. البته اینها همه بر فرض این است که نگاه، نگاه عادی باشد و نه

۱. مستند، ج ۳۲، ص ۴۹.

۲. تذکره، ص ۵۷۳.

نگاه عن تليذ و شهوة و از روی شهوت. عرض شد که اگر عورت را در مورد مرد به این محدوده اطلاق کنیم، کأن از عموم جواز این مقدار را استثنا کرده نگاه را کأن نسبت به عورت به این معنا گفته‌اند جایز نیست و نسبت به بقیه اعضا جایز دانسته‌اند.

### قول ششم: همه بدن به جز عورت

یک قول هم این است که نظر به همه بدن مرد جایز است الا العورة و عورت را به معنای اصطلاحی خودش بگیریم. این در واقع درست نقطه مقابل قول اولی است که بیان کردیم. طبق این قول نظر به همه اعضای بدن مرد از ناحیه زن جایز است. چون ادله هیچ کدام اقتضای حرمت نظر ندارد. آیه غض، روایات، همه را نگاه کنید هیچ کدام اقتضای حرمت در آنها نیست؛ ما ادله حرمت نگاه زن به مرد را یک‌به‌یک گفتیم. ملاحظه فرمودید هیچ کدام اقتضای حرمت در آن وجود ندارد و بعضی از معاصرین هم به این نظر حداقل از نظر استدلالی ملتزم شده‌اند. خود مرحوم آقای خویی فرمود که ما دلیلی بر تحریم نظر زن به مرد الا العورة نداریم؛ ادله خالی از اشکال نیست. بنابراین نمی‌توانیم فتوا به تحریم بدهیم الا العورة. منتهی ایشان می‌گویند احتیاطاً لایجوز. فوقش این است که دامنه عورت را وسیع‌تر کنیم و بگوییم عورت به استناد برخی روایات، مابین السرة و الركبة است، آن هم از باب احتیاط و الا نظر به بقیه اعضا مشکلی ندارد.

### حق در مسأله

ما این اقوال را داریم؛ مجموعاً این اقوال شش نظر می‌شوند، به غیر از آنهایی که مطلقاً نظر زن به مرد را جایز نمی‌داند. ما ادله حرمت نظر را یک‌به‌یک بررسی کردیم؛ از آیات، روایات، اجماع، همه را ملاحظه فرمودید؛ مثلاً در بعضی روایات حکمت‌هایی که برای حرمت نظر گفته شده، همه اینها را بررسی کردیم. ملاحظه فرمودید دلیل بر حرمت نظر نداریم. در مقابل، دقت فرمودید که ادله‌ای بر جواز داریم؛ درست است در ادله جواز تا حدودی محدوده خیلی روشن نشد. آیه‌ای که نبود؛ روایت یکی دو تا بود که ملاحظه فرمودید؛ استدلال مرحوم آقای خویی هم حد را به صورت دقیق معلوم نکرده است. آنچه که از این ادله استفاده می‌شود؛ مخصوصاً به مدد سیره و آنچه که آقای خویی گفته‌اند و روایات هم مؤید آن است، این است که آن مقداری از بدن مرد که به طور متعارف آشکار است، این قدر متیقن از جواز است. یعنی دست، صورت، سر، گردن و قدمین، در اینکه یجوز للمرأة أن تنظر الی هذه المواضع من الرجل، ظاهراً تردیدی نیست. واقعاً دلیلی بر تحریم نظر نداشتیم؛ بلکه دلیل بر جواز داشتیم. جواز را هم با توجه به ادله‌ای که ذکر کردیم، قدر متیقن آنجاست، بالاخره آن مقداری که از مواضع بدن مرد آشکار است.

اینکه ما در سیره گفتیم بالاخره سیره بر این است که مردان خودشان را نمی‌پوشانند و در گذشته هم نمی‌پوشاندند و ردعی هم نشده، ولو کان حراماً بالاخره این باید یک طور بیان می‌شد و به ما می‌رسید؛ ما می‌بینیم هیچ کدام از این امور وجود ندارد و منع و نهی نشده است و نسبت به این موضوع به عنوان یک حرام برخورد نشده و به مردان نگفته‌اند که سرتان را بیوشانید، به زنان نگفته‌اند به سر و صورت و گردن مردان، به دست مردان نگاه نکنید.

لذا در میان انظار اگر بخواهیم حقیقتاً از زاویه استدلال نگاه کنیم، این قول که زن به مرد می‌تواند نگاه کند الا العورة، این نظری است که از نظر استدلالی می‌توان آن را پذیرفت. مسلماً نظر به عورت حرام است. اینکه عورت را هم به مابین السرة

و الركبة اطلاق کنیم، این هم قابل قبول نیست. آن روایتی که آقای خوبی به آن استناد کرده، آن هم روایت هم قابل اعتماد نیست. فرض ما این است که این نگاه، نگاه عادی است، نگاه بدون شهوت و عاری از تلذذ و ریبه است و مخصوصاً آن نکته‌ای که ما در همه اینها توجه کردیم و به آن تأکید کردیم، اینکه این نگاه آلی است و نه استقلالی؛ زل نمی‌زند و خیره نمی‌شود. نگاهی است که به منظور یک کاری و در یک شرایطی و موقعیتی واقع شده است. مثلاً برای کاری با یک کسی مواجه می‌شود که دستش پوشیده نیست تا بازو، یا حتی یک مقداری از سینه او باز است؛ اینجا یک نگاه عادی به این داریم و یک نگاه غیرعادی؛ یک نگاه استقلالی داریم و یک نگاه آلی. ممکن است گمان شود که معمولاً در این مناسبات و ارتباطات، بالاخره به دست و صورت شخص نگاه می‌کند؛ اما به بقیه قسمت‌ها معنا ندارد که نگاه آلی و ابزاری داشته باشد. چرا نگاه آلی و ابزاری نسبت به سایر قسمت‌ها نباشد؟ مثلاً کسی نزد پزشک می‌رود، در حالی که پزشک زن است و پزشک مرد هم هست؛ مثلاً روی بازو یا دست او جراحی است. اگر کسی قائل به حرمت نظر باشد نمی‌تواند برود. اما این شخص طبق این نظر می‌تواند برود؛ فرض این است که اضطرار نیست، حتی اولویتی هم نیست. اینطور نیست که این پزشک یک خصوصیتی داشته باشد که بهتر از پزشکان مرد باشد. یا مثلاً فرض کنید این بحثی که یک مقداری هم مطرح است، لباس ورزشی ورزشکاران؛ الان مثلاً در ورزش فوتبال، حالا من بعضی از ورزش‌ها را نمی‌گویم مثل ورزش کشتی یا شنا که لباس‌های خاص‌تری دارند. معمولاً لباس فوتبالیست‌ها یک پیراهن آستین کوتاه است و یک شورتی می‌پوشند که تقریباً تا زانو یا بالای زانو است؛ ساق پا آشکار است، بازوان و دست‌ها آشکار است. فرض کنید یک کسی می‌خواهد نگاه کند به ورزش فوتبال؛ الان مردانی دارند بازی می‌کنند و کسی از بانوان می‌خواهد این ورزش را نگاه کند. من با عناوین جانبی و ثانوی و عوارضی که با این آمیخته می‌شود و عناوین دیگری پیدا می‌شود کاری ندارم. مسأله حضور در ورزشگاه و اختلاط و پیداشدن عناوین دیگر بحث ما نیست. کنار خیابان چند نفر دارند فوتبال بازی می‌کنند؛ پسر خودش با چند نفر دیگر دارند فوتبال می‌کنند. فرض این است که این نگاه، نگاه آلی است. اگر دست و ساق پای او را می‌بیند، این در واقع نگاه استقلالی ندارد؛ نگاه آلی و ابزاری است. ما دلیلی بر حرمت این نگاه نداریم.

پس به مقتضای ادله جواز، نگاه به این مقدار از اعضای بدن که قطعاً اشکالی ندارد؛ نگاه بدون تلذذ، ریبه، و نگاهی که آلی و ابزاری باشد و نه نگاه استقلالی؛ چیزی که ما در همه موارد جواز روی آن تأکید داشتیم. چون ممکن است یک نگاهی نگاه شهوانی هم نباشد، اما آلی هم نباشد. یک نگاه استقلالی غیر شهوانی باشد؛ این هم خیلی شاید نتوانیم آن را جوازش را بپذیریم. اما این مقدار به نظر می‌رسد بجز. فقط می‌ماند به بعضی از قسمت‌ها؛ ما می‌گوییم الا العورة، این الا العورة شامل سینه، شکم، ران هم می‌شود؛ اینها چطور؟ این بحث یک تتمه‌ای دارد که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»